

بخش دوم

قرآن و امام حسین (علیه السلام)

ده گفتار

(حجت‌الاسلام و المسلمين قرائتی)

قرآن و امام حسین علیہ السلام

اگر قرآن سیدالکلام است^۱ ، امام حسین سیدالشہدا است.^۲

اگر در صحیفه سجادیه درباره قرآن می خوانیم: «وَمِيزَانُ الْقَسْطِ» امام حسین علیہ السلام می فرماید: «أمرت

بالقسط»^۳

اگر قرآن موعظة پروردگار است؛ «مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ»^۴ ، امام حسین علیہ السلام در عاشورا فرمود: عجله نکنید تا شما را به حق موعظه کنم. «لَا تَعْجِلُوا حَتَّىٰ اَعْظِمُكُمْ بِالْحَقِّ»^۵

اگر قرآن مردم را به رشد هدایت می کند: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ»^۶ ، امام حسین علیہ السلام نیز می فرماید: من شما را به دو رشاد دعوت می کنم «ادعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرِّشادِ»^۷

اگر قرآن عظیم است: «وَالْقُرْآنُ أَعْظَمُ»^۸ امام حسین علیہ السلام نیز سوابق عظیمی دارد. «عظیم السوابق»^۹

اگر قرآن حق و یقینی است: «وَإِنَّهُ لَحَقٌ الْيَقِينُ»^{۱۰} در زیارت امام حسین علیہ السلام نیز می خوانیم: آنقدر

۱ . مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲ . کامل الزیارات.

۳ . جامع الاحادیث شیعه، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

۴ . سوره یونس، آیه ۵۷.

۵ . لواجع الاشجان، ص ۲۶.

۶ . سوره جن، آیه ۲.

۷ . لواجع الاشجان، ص ۱۲۸.

۸ . سوره حجر، آیه ۸۷.

۹ . بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.

۱۰ . سوره الحاقة، آیه ۵۱.

^١ صادقانه و خالصانه عبارت کردی که به درجه یقین رسیدی. «حتی اتاک اليقین»

اگر قرآن مقام شفاعت دارد؛ «نعم الشفيع القرآن»^٢ امام حسین علیہ السلام نیز مقام شفاعت دارد. «وارزقنى

^٣ شفاعة الحسين»

اگر در دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه درباره قرآن می خوانیم که پرچم نجات است؛ «عَلَمْ نجاه»

^٤ در زیارت امام حسین علیہ السلام نیز می خوانیم او نیز پرچم هدایت است. «اَنَّ رايَه الْهَدِي»

اگر قرآن شفادهنده است؛ «وَنَزَّلْ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ»^٥ خاک قبر امام حسین علیہ السلام نیز شفاست.

^٦ «طین قبر الحسين شفاء»

اگر قرآن منار حکمت است،^٧ امام حسین علیہ السلام نیز باب حکمت الهی است. «السلام عليك يا باب

^٨ حکمه رب العالمين»

اگر قرآن امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ «فالقرآن آمرٌ و زاجر»^٩ امام حسین علیہ السلام نیز فرمود:

هدف من از رفتن به کربلا امر به معروف و نهی از منکر است. «اريد أن آمر بالمعروف و أنهى عن

^{١٠} المنکر»

اگر قرآن نور است؛ «نوراً مُبِينًا»^{١١}، امام حسین علیہ السلام نیز نور است. «كنت نوراً في الاصلاح

١ . كامل الزيارات، ص ٢٠٢.

٢ . نهج الفصاحه، جمله ٥٦٢

٣ . زيارة عاشورا.

٤ . كامل الزيارات، ص ٧٠

٥ . سوره اسراء، آیه ٨٢

٦ . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٦

٧ . الحياة، ج ٣، ص ١٤٠

٨ . مفاتيح الجنان.

٩ . نهج البلاغه، خطبه ١٨٢

١٠ . مقتل خوارزمي، ج ١، ص ١٨٨

١١ . سوره نساء، آیه ١٧٤

^۱ الشامخه»

اگر قرآن برای تاریخ و همه مردم است؛ «لم يجعل القرآن لزمان دون زمان و لالناس دون

الناس»^۲، درباره امام حسین علیه السلام نیز می‌خوانیم که آثار کربلا از تاریخ محو نخواهد شد. «لا يدرس أثره و

لامحى اسمه»^۳

اگر قرآن کتاب مبارکی است؛ «كتاب أنزَلْنَا إِلَيْكَ مُبَارَكٌ»^۴، شهادت امام حسین علیه السلام نیز برای اسلام سبب برکت و رشد است «اللهُمَّ فَيَارَكَ لِي فِي قَتْلِهِ»^۵

اگر در قرآن هیچ انحرافی نیست؛ «غَيْرَ ذِي عِوَجٍ»^۶ درباره امام حسین علیه السلام نیز می‌خوانیم؛ لحظه‌ای از حق به باطل گرایش پیدا نکرد. «لَمْ تَمِلِّ مِنْ حَقٍّ إِلَى باطِلٍ»^۷

اگر قرآن، کریم است؛ «إِنَّهُ لِقُرْآنٌ كَرِيمٌ»^۸، امام حسین علیه السلام نیز دارای اخلاق کریم است. «وَ كَرِيمٌ

الخلائق»^۹

اگر قرآن عزیز است؛ «وَإِنَّهُ لَكِتابٌ عَزِيزٌ»^{۱۰}، امام حسین علیه السلام فرمود: هرگز زیر بار ذلت نمی‌روم.

«هیهات متن اللہ»^{۱۱}

۱. کامل الزیارات، ص ۲۰۰.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۱۳.

۳. مقتل مقرم.

۴. سوره ص، آیه ۲۹.

۵ - مقتل خوارزمی؛ (این سخن از رسول خدا علیهم السلام است)

۶. سوره زمر، آیه ۲۸.

۷. فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

۸. سوره واقعه، آیه ۷۷.

۹. نفس المهموم، ۷.

۱۰. سوره فصلت، آیه ۴۱.

۱۱. لهوف، ۵۴.

اگر قرآن رسیمان محکم است؛ «انّ هذَا الْقُرْآنَ ... الْعَرُوْهُ الْوَثِيقِ»^١، امام حسین نیز کشتی نجات و رسیمان محکم است. «الْحَسِينُ سَفِينَةُ النَّجَاهِ وَالْعَرُوْهُ الْوَثِيقِ»^٢

اگر قرآن بینه و دلیل آشکار است؛ «جَاءَكُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنْ رَبِّكُمْ»^٣، امام حسین نیز اینگونه است «أشهد انّکَ عَلَى بَيِّنَهِ مِنْ رَبِّكَ»^٤

اگر قرآن را باید آرام و با تائی تلاوت کرد؛ «وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^٥ زیارت قبر امام حسین را نیز باید با گام‌های آهسته انجام داد. «وَ امْشِبْ مَشْيَ الْعَبِيدِ الذَّلِيلِ»^٦

اگر تلاوت قرآن باید با حزن باشد. «فَاقْرُوْهُ بِالْحُزْنِ»^٧ زیارت امام حسین علیهم السلام نیز باید با حزن باشد.

«وَزْرَهُ وَ انتَ كَيْبِ شَعْثَ»^٨

آری، حسین علیهم السلام قرآن ناطق و سیمایی از کلام الهی است.

١ . بخار، ج ٩٢، ص ٣١.

٢ . پرتوی از عظمت حسین، ع

٣ . سوره انعام، آیه ١٥٧.

٤ . فروع کافی، ج ٤، ص ٥٦٥.

٥ . سوره مزمول، آیه ٤.

٦ . کامل الزیارات.

٧ . وسائل، ج ٤، ص ٨٥٧

٨ . کامل الزیارات.

انگیزه، اخلاص، نشاط و آگاهی در کربلا

بر خلاف دنیای امروز که به ثروت، نیرو، اطلاعات، تخصص، تکنولوژی و حمایت دیگران تکیه دارد، اسلام کارائی و نقش همه آنها را در کنار ایمان به خدا، اخلاص، نشاط و انگیزه می‌داند.

نمونه‌ها:

نمای بی‌نشاط، مورد انتقاد قرآن است. **﴿قَامُوا كُسَالَى﴾**^۱

انفاق بی‌نشاط، مورد انتقاد قرآن است. **﴿وَهُمْ كَارِهُونَ﴾**^۲

انجام کار بدون نشاط یا همراه با بهانه‌گیری، به منزله انجام ندادن آن کار است، بنی اسرائیل چون بعد از بهانه‌گیرهای زیاده گاوی را ذبح کردند قرآن می‌فرماید: گویا ذبح نکردند. **﴿فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا**

يَعْلُونَ﴾^۳

بارها قرآن از کسانی که هنگام رفتن به جبهه بی‌نشاط بودند، انتقاد کرده است. **﴿إِنَّا أَنْهَيْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ طَيْبَاتٍ وَمِنْ أَنْفُسِنَا طَيْبَاتٍ وَمَا كَانُوا بِطَيْبَاتِنَا يَرَوُونَ﴾**^۴

از ایمان و توجه کسانی که تنها به هنگام اضطرار روبه خداوند می‌کنند، انتقاد کرده و فرماید: همین که در آستانه غرق شدن قرار گرفتند، خدا را می‌خوانند ولی همین که نجات یافتند، فراموش می‌کنند. **﴿فَإِذَا**

رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْصِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^۵

ایمان در لحظه خطر کار فرعونی است که در آستانه غرق شدن گفت: ایمان آوردم و خداوند در پاسخ او

۱ . سوره نساء، آیه ۱۴۲

۲ . سوره توبه، آیه ۵۴

۳ . سوره بقره، آیه ۷۱

۴ . سوره توبه، آیه ۳۸

۵ . سوره عنکبوت، آیه ۶۵

فرمود: ﴿الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ﴾^۱

در کربلا نشاط بود؛ امام حسین علیه السلام فرمود: مرگ مانند گردن بند در سینه دختران جوان است. فرزند سیزده ساله امام حسین علیه السلام (حضرت قاسم) فرمود: مرگ نزد من از عسل شیرین تر است. یاران امام حسین علیه السلام می‌گفتند: اگر یارها زنده شویم باز کشته شویم، دست از تو بر نمی‌داریم. نشاط بالاتر از رضایت و تسلیم است، ریشه نشاط ایمان به راه رهبر و هدف است و بی‌نشاطی، نشانه باور نداشتن راه، رهبر و هدف است.

اما مسئله انگیزه^۵:

اسلام به انگیزه انسان بسیار توجه دارد، حتی سیر کردن گرسنگان اگر بر اساس اخلاص نباشد و انگیزه غیر الهی داشته باشد، بی‌ارزش است.

یکی از سوره‌های قرآن سوره «عبس» است که در ده آیه اول آن به شدت انتقاد می‌کند که چرا به روی نایبنای عبوس شد، در حالی که نایبنا نه عبوسیت را می‌بیند و نه خنده را، امام اسلام اصل عبوس بودن را رزشت میداند، نه به خاطر فهمیدن یا نفهمیدن مردم. اسلام ارزشها و ضد ارزشها را واقعی می‌بیند، نه قرارداد، سیاسی، اقتصادی و تعصّبی.

انگیزه امام حسین علیه السلام خودبینی قدرت طلبی، انتقام نبود، انگیزه امام و یارانش اصلاح در دین جدش بود. انگیزه یارانش رسیدن به مال و مقام و تظاهر نبود، آنان با خدا معامله کردند و لذا کوک اسیر شده امام در برابر کاخ بنی‌امیه سخنرانی می‌کنند و می‌فرمایند: به عدد دانه‌های شن خدا را شکر می‌کنم؛ «الحمد لله عدد الرمل و الحصى» و زینب کبری می‌فرماید: چیزی جز زیبایی ندیدم؛ «ما رایت الا جمیلا» در حالی که اگر انگیزه غیر خدا باشد، باید گلایه‌ها و ضعف‌ها و ناسپاسی‌ها در کار باشد.

خلاصه آنکه گرچه اسلام به آمادگی همه جانبیه در برابر دشمن توجه دارد؛ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ

مِنْ قُوَّةٍ^۲

به آموزش‌های تخصصی عنایت دارد، گرچه نزد بیگانگان باشد؛ «أُطْلَبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ» به

۱ . سوره یونس، آیه ۹۱

۲ . سوره انفال، آیه ۶۰

۱. حمایت افراد توجه دارد؛ **﴿وَتَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقَوَى﴾**

به ثروت و اطلاعات توجه دارد، اما همه اینها به منزله عینک و سیله دیدن هستند، لکن کار دیدن از چشم است و توفیق تنها از اوست؛ **﴿وَمَا تَوْقِيقٍ إِلَّا بِاللَّهِ﴾**^۲ و نصرت تنها از او می‌باشد؛ **﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ**

﴿عِنْدِ اللَّهِ﴾^۳

اما آگاهی:

امروز خلبانان متخصص منطقه‌ای را بماران می‌کنند، بدون آنکه بدانند چرا و برای چه؟ در کربلا همه یاران امام حسین علی‌الله‌آل‌عتر آگاه بودند. از آغاز سفر تا کربلا تمام جملات امام نشانه این بود که این سفر کامیابی ماذی و بر گشتنی ندارد، یک انتخاب آزادانه، آگاهانه، مخلصانه و عاشقانه بود.

در اسلام حتی اشک و سوزی ارزش دارد که بر اساس آگاهی باشد؛ **﴿تَرَى أَعْيُّهُمْ تَفَضُّلُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا﴾**^۴

باور و یقین که آمد، انسان در کار خود تردید ندارد. زینب کبری در سخنرانی به یزید می‌گوید: من تو را پست و کوچک می‌دانم؛ «آنی لاستصغرك»

آری اگر انسان در اثر معرفت و شناخت یقین پیدا کرد، پخته می‌شود و هیچ پخته‌ای خام نمی‌شود، ولی ارگ براساس احساسات و شعارها داغ شد، ممکن است بعد از مدتی گرفتار تردید و سرد شود، چون هر داغی سرد می‌شود.

در قرآن دو نوع دخول داریم؛ یکی دخول مردم در فضای ایمان و دیگری دخول ایمان در فضای دل. دخل شدن مردم به ایمان آسان است؛ **﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾**^۵ اما دخل شدن ایمان در دل، کار

۱. سوره مائدہ، آیه ۲.

۲. سوره هود، آیه ۸۸

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۶

۴. سوره مائدہ، آیه ۸۳

۵. سوره نصر، آیه ۲

سختی است؛ ﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^۱

اکنون که این سطرها را می‌نویسم، شبی است که حضرت علی علیہ السلام در روز عید غدیر خم به امامت نصب شد، همان‌ها که یَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا بودند، صحنه را دیدند و تبریک هم گفتند، اما پس از چندی علی علیہ السلام را رها کردند، زیرا ایمان در قلبشان داخل نشده بود. این است تفاوت دخول مردم در دین با دخول دین در مردم.

۱ . سوره حجرات، آیه ۱۴.

حرکت امام حسین بر اساس قرآن

آیاتی که امام حسین علیه السلام در مسیر را ه به آن استناد فرمودند: آیه اوّل: همین که نماینده یزید در مدینه (مروان) تصمیم گرفت که از امام حسین علیه السلام برای یزید بیعت بگیرد، امام فرمود: «ویلک یا مروان فانک رجس» وای بر تو، تو پلید هستی و ما ختوادهای هستیم که خداوند در شان ما فرموده است: **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾**^۱ همانا خداوند می‌خواهد که از شما اهل بیت هر پیشی (احتمالی، شک و شباهتی) را بزداید و شما را چنانکه باید و شاید پاکیزه بدارد.

آیه دوم: امام حسین علیه السلام در پایان وصیت نامه‌ای که قبل از حرکت به کربلا نوشته‌است، به این آیه استناد کردند: **﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾**^۲ توفیق من به جز به (ارده) خداوند نیست که بر او توکل کرده‌ام و به او روی آورده‌ام.

آیه سوم: همین که برای فرار از بیعت با یزید، از مدینه به سوی مکه خارج شدند(۲۸ ربیع‌الاول)، این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا حَانِقًا يَرْقَبُ قَالَ رَبِّنِي نَجِّي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۳ آنگاه که (موسی) از آنجا ترسان و نگران بیرون شد و گفت: پروردگار!! مرا از قوم ستمکار نجات بده.

آیه چهارم: شیخ مفید می‌گوید: همین که امام حسین علیه السلام به سوی مدینه رهسپار شد، گروههایی از جن و فرشته برای یاری آن حضرت حاضر شدند، اما امام این آیات را تلاوت فرمودند: **﴿أَيُّنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُمْ**

۱ . سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲ . سوره هود، آیه ۸۸

۳ . سوره قصص، آیه ۲۱

الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ^١ هر جا که باشد و لو در برجهای استوار سر به فلک کشیده، مرگ شما را فرا می‌گیرد. همچنین آیه: «لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ»^٢ کسانی که کشته شدند، در سرنوشتیان نوشته شده بود (با پای خویش) به قتلگاه خود رسپار می‌شدند. آیه پنجم؛ همین که امام حسین علیه السلام شب جمعه سوم شعبان (قبل از حرکت به کربلا) وارد مکه شدند، این آیه را تلاوت فرمودند: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدِينَةَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»^٣ و چون رو به سوی مدین نهاد، گفت: باشد که پروردگار مرا به راه راست راهنمایی کند. آیه ششم؛ در مکه همین که با این عباس گفتگو می‌کرد درباره بنی امیه این آیات را تلاوت فرمودند: «أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَادَةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى»^٤ آنان به خداوند و پیامبر او کفر ورزیده و جز با حالت کسالت به نماز نپرداخته‌اند... و همچنین آیه: «إِرَأَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَدْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» با مردم ریاکاری کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. و آیه «مُذَبَّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَوْلَاءِ وَلَا إِلَى هَوْلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا»^٥ در این میان (بین کفر و ایمان) سرگشته‌اند، نه جزو آنان (مؤمنان) و نه جزو اینان (نامؤمنان) و هر کس که خداوند در گمراهی واگذارش، هرگز برای او بیرون شدنی نخواهد یافت. و فرمودند: «كُلُّ نَفْسٍ ذَآتَةٌ الْمَوْتُ وَإِنَّمَا تُوقَنُ أُجُورُكُمْ»^٦ هر جانداری چشنه (طهم) مرگ است و بی‌شک در روز قیامت پادشاهیات را به تمامی خواهند داد.

آیه هفتم؛ در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا حرکت کردند، نماینده یزید در مکه را بر حضرت بستنده درگیری با تازیانه رخ داد، به امام حسین گفتند: می‌ترسم شما میان مردم شکاف بیفکنی!! حضرت این آیه را را تلاوت فرمودند: «لَيْ عَمَلَيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيُّونَ مِمَّا أَعْمَلُ

١ . سوره نساء، آیه ٧٨

٢ . سوره آل عمران، آیه ١٥٤

٣ . سوره قصص، آیه ٢٢

٤ . سوره توبه، آیه ٥٤

٥ . سوره نساء، آیه ١٤٣

٦ . سوره آل عمران، آیه ١٨٥

وَأَنَّا بَرِيءُ مِمَّا تَعْمَلُونَ^۱ عمل من از ان من و عمل شما از آن شما، شما از آنچه من می‌کنم بری و برکنارید و من از آنچه شما می‌کنید بری و برکنارم.

آیه هشتم؛ همین که در مسیر کربلا خبر شهادت مسلم را شنیدند فرمودند: **﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعون﴾**^۲ کسانی که چون مصیبی به آنان رسد، گویند: ما از خدایم و به خدا باز می‌گردیم.

آیه نهم: در نزدیکی کربلا همین که حُر به امام گفت: چرا آمده‌ای فرمود: نامه‌های دعوت شما مرأ به اینجا آوردم، ولی حالا پشیمان شده‌اید و این آیه را تلاوت فرمود: **﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ﴾**^۳

پس هر کس که پیمان شکنده، همانا به زیان خویش پیمان شکسته است.

آیه دهم: در مسیر کربلا همین که خبر شهادت نامه‌سان خود «قیس بن مسهر صیداوی» را شنید گریبه کرد و این آیه را تلاوت فرمودند: **﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدِيلًا﴾**^۴ از ایشان کسی هست که بر عهد خویش(تا پایان حیات) به سر برده است و کسی هست که (شهادت را) انتظار می‌کشد و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در کار نیاورده‌اند.

آیه یازدهم؛ همین که فرماندار کوفه(بن زیاد) نامه رسمی برای حر فرستاد که راه را بر امام حسین علیه السلام بیند و او نامه را به امام عرضه داشت، امام این آیه را تلاوت فرمودند: **﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ﴾**^۵ و آنان را پیشوایانی خواندیم که به سوی آتش دوزخ دعوت می‌کنند و روز قیامت یاری نمی‌یابند.

آیه دوازدهم؛ امام حسین علیه السلام در کربلا درباره لشکر یزید برای دخترش سکینه این آیه را تلاوت فرمود: **﴿إِسْتَحْوَدَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَسْلَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ﴾**^۶ شیطان بر آنان دست یافت، سپس یاد خدا را از خاطر آنان برد.

۱ . سوره یونس، آیه ۴۱.

۲ . سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۳ . سوره فتح، آیه ۱۰.

۴ . سوره احزاب، آیه ۲۳.

۵ . سوره قصص، آیه ۴۱.

۶ . سوره مجادله، آیه ۱۹.

آیه سیزدهم: در روز عاشورا برای لشکر یزید این آیه را تلاوت فرمود: **﴿فَاجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرْكَاءَ كُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةٌ ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُتْنِيْرُونَ﴾**^۱ شما با شبکانی که قایلید، کارتان را هماهنگ و عزمتان را جزم کنید سپس در کارتان پرده‌پوشی نکنید، آنگاه کار مرا یکسره کنید و مهلتم ندهید. و نیز آیه **﴿إِنَّ وَلِيَّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّ الصَّالِحِينَ﴾**^۲ سوره من خداوند است که این کتاب آسمانی را فرو فرستاده است و او دوستدار شایستگان است. و نیز آیه: **﴿وَإِنِّي عُذْتُ بِرِبِّي وَرَبِّكُمْ أَنَّ تَرْجُمُونِ﴾**^۳ و من از شر اینکه سنگسارم کنید، به خود و پروردگار شما پناه می‌برم. و همچنین آیه: **﴿وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرِبِّي وَرَبِّكُمْ مَنْ كُلُّ مُنْكَبِرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾**^۴ من به پروردگار خود و پروردگار شما از(شر) هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می‌برم.

۱. سوره یونس، آیه ۷۱.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

۳. سوره دخان، آیه ۲۰.

۴. سوره غافر، آیه ۲۷.

اهداف امام حسین علیه السلام و قرآن

در اسلام به همان مقدار که از فساد انتقاد و با آن مقابله شده، نسبت به اصلاح سفاش و تأکید شده است. قرآن تنها به ایمان و تقوی درونی اکتفا نمی‌کند، بلکه اصلاح را لازمه ایمان و تقوی می‌شمارد. «امَّنْ وَأَصْلَحَ»^۱ و «فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ»^۲

خداوند خود اوّل مصلح است؛ «وَأَصْلَحَ بَالَّهُمْ»^۳ و لذا از مردم نیز خواسته تا اوّل عیوب‌های خود را اصلاح کنند؛ «تَابُوا وَأَصْلَحُوا...»^۴ و سپس به اصلاح جامعه پردازند. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۵ اصلاح گر هرگز به دنبال فتنه انگیزان نمی‌رود، «وَأَصْلَحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُعْسِدِينَ»^۶ البته اصلاحات باید بر معیار عدل و قانون باشد. «فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا»^۷

کسی که راههای صلاح و اصلاح را به روی خود بیند، نایبود خواهد شد هر چند فرزند پیامبر باشد؛ «إِنَّهُ أَئِسَّ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^۸ (ای نوح!) او از خاندان تو نیست، براستی که عمل او غیر

۱ . سوره انعام، آیه ۴۸.

۲ . سوره اعراف، آیه ۳۵.

۳ . سوره محمد، آیه ۲.

۴ . سوره نساء، آیه ۱۴۶.

۵ . سوره انفال، آیه ۱.

۶ . سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۷ . سوره حجرات، آیه ۹.

۸ . سوره هود، آیه ۴۶.

صالح است. اولیای الهی از خدا درخواست می کردند که به صالحان ملحق شوند. **﴿وَالْحَقْبَىٰ بِالصَّالِحِينَ﴾**^۱

قرآن معمولاً ایمان را همراه عمل صالح بیان کرده است: **﴿الذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾** اثر بخشی عمل صالح محدود به زمان و مکان نیست و حتی نسل‌های بعدی از اعمال پدران صالح خود خیر و بهره می‌برند. **﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾**^۲

قرآن هدف از کامیابی از نعمت‌ها را انجام عمل صالح می‌داند. **﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلُّوا مِنَ الطَّيَّابَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا﴾**^۳ یعنی بهره‌گیری و کامیابی شما از نعمت‌ها باید برای انجام کار نیک و عمل صالح باشد. خداوند متعال حکومت آینده زمین را نصیب بندگان صالح خود خواهد کرد. **﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثِي ثُلَاثَةٌ عَيَّادٍ الصَّالِحُونَ﴾**^۴

انسان بعد از اصلاح خود باید به اصلاح دیگران پیردازد و تمام توان خود را در این راه بکار گیرد **﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا إِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ﴾**^۵ چیزی جز اصلاح تا سر حد توانم نمی‌خواهم.

البته

خداوند متعال اصلاح طلبان واقعی را از کسانی که شعار اصلاح می‌دهند، جدا می‌کند و چهره مدّعیان دروغین را افشا می‌کند: **﴿قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾** (۶) **﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾**^۶ آنها می‌گویند: فقط ما اصلاح طلبیم، آگاه باشید آنها خود فساد کنندگانند، ولی نمی‌فهمند.

آری، خداوند مصلحین واقعی را می‌شناسد. **﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ﴾**^۷

خداوند به مصلحان واقعی را وعده پاداش داده است. **﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ﴾**^۸

۱ . سوره شعراء، آیه ۸۳

۲ . سوره کهف، آیه ۸۲

۳ . سوره مؤمنون، آیه ۵۱

۴ . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۵ . سوره هود، آیه ۸۸

۶ . سوره بقره، آیات ۱۱-۱۲

۷ . سوره بقره، آیه ۲۲۰

۸ . سوره اعراف، آیه ۱۷۰

نکته قابل توجه آنکه هر چه میزان فساد بالا برود، تلاش مصلحانه بیشتری را طلب می کند. (آری هر چه هوا گرمتر شود، نیاز به آب بیشتر می شود) و هر چه مفسدان خطرناکتر شوند، مصلحان بزرگتری می طلبد. در برابر نمروд جز ابراهیم و در برابر فرعون جز موسی و در برابر یزید جز حسین چه کسانی می توانند مقابله کنند؟!

بدیهی است برنامه اصلاحات همیشه با نامه و گفتگو و تذکر پیش نمی رود، بلکه شرایطی پیش می آید که باید به استقبال خطر رفت. امام حسین علیه السلام اولین مصلح اسلامی است که به استقبال سختترین شداید رفت و جان خود را تسلیم حق نموده و به شهادت رسید.

امر به معروف و امام حسین علیه السلام

امر به معروف و نهی از منکر نشانه وجدان بیدار، سوز و تعهد، عشق به مکتب، حضور در صحنه و عشق به مردم است. امر به معروف و نهی از منکر سبب دلگرمی نیکوکاران، کنترل خلافکاران و حافظ حقوق مظلومان است.

جامعه بی تفاوت و ساكت، جامعه مرده و بدون رشد است. حضرت لوط به مردمی که در برابر گناه ساكت بودند فرمود «آیینَسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ»^۱ آیا یک انسان رشد یافته در میان شما نیست؟

قرآن شرط بهترین امت بودن را انجام امر به معروف و نهی از منکر می داند؛ «كُتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»^۲
آن گاه که قهر خداوند بر خلافکاران نازل شود، خداوند ناهیان از منکر را نجات می دهد. «أَنْجَيْنَا

الَّذِينَ»^۳

یکی از برکات نماز آن است که انسان را از منکرات باز می دارد. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ»^۴
امر به معروف در پاداش انجام معروف شریک است.^۵

ترک امر به معروف سبب سلطه اشرار می شود.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه تمام انبیا در طول تاریخ است. «وَلَقَدْ بَعْثَنَا»^۶

امام حسین علیه السلام درباره علت قیام خود فرمودند: مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل

۱ . سوره هود، آیه ۷۸

۲ . سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

۳ . سوره اعراف، آیه ۱۶۴

۴ . سوره عنکبوت، آیه ۴۵

۵ . بخاری، ج ۹۷، ص ۸۷

۶ . سوره نحل، آیه ۳۶

جلوگیری نمی‌شود^۱. من بنا دارم (هر چند با شهادت و ریختن خونم باشد) امر به معروف و نهی از منکر کنم. «انی ارید ان آمر بالمعروف.....».

آری امر به معروف و نهی از منکر مراحلی دارد که در بعضی مراحل باید تا شهادت پیش رفت. چنان که خون‌های مقدسی در راه آن ریخته شده است. «وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ»^۲.

توجیهات نابجا

بعضی برای سکوت خود توجیهاتی دارند و کلماتی را می‌گویند از قبیل: کار از کار گذشته است.

با یک گل بهار نمی‌شود.

ما او را در یک قبر نمی‌گذارند.

عیسیٰ به دین خود، موسیٰ به دین خود.

دیگران هستند، به ما چه ربطی دارد.

در زندگی شخصی افراد دخالت ممنوع است.

نام قطع شده و مردم از من رنجیده می‌شوند.

خجالت می‌کشم و با او رودرواسی دارم.

ولی قیام امام حسین علیه السلام ثابت کرد که با یک حرکت خالصانه، می‌توان تاریخ را متتحول کرد و با یک گل بهار می‌شود.

ما باید با طاغوت‌ها مبارزه کنیم، زیریا و سُم اسب برویم ولی زیر بار زور نرویم، سر به نیزه دهیم ولی در برابر ظلم سر خم نکنیم و نباید تصوّر کنیم که آثار امر به معروف و نهی از منکر فوری است، زیرا گاهی آثار یک کلام یا قیام و حرکت، بعد از سال‌ها جلوه می‌کند.

۱. بخار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۱.

جلوه‌های قرآن در کربلا

قرآن بارها می‌فرماید: به منطق و حق فکر کنید، نه به تعداد نفرات و تعبیرانی از قبیل: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۱، «وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ»^۲، «وَأَكْثَرُهُمْ كَادِيُونَ»^۳ را به کار برده است.

قرآن می‌فرماید: هر گامی و کلامی باید بر اساس بصیرت باشد «أَدْعُوكُ إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۴ در امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل و اصحاب علیهم السلام روز عاشورا ده سخنانی کوتاه برای موعظه و ارشاد مردم داشتند.

قرآن، از ایثارگران تجلیل میکند؛ «وَيَوْمَ رُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ»^۵، در کربلا جلوه‌های بسیاری از ایثار به چشم می‌خورد که نمونه بارز آن ایثار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. قرآن به عفو کردن و پذیرش عذر مردم سفارش می‌کند که نمونه بارز آن در کربلا عفو و بخشش حر بن یزید ریاحی است.

قرآن می‌فرماید: «وَالْعَاقِةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۶ و «وَالْعَاقِةُ لِلْتَّنَوَّى»^۷ در کربلا نام نیکی از دهها هزار جناحتکار نیست، اما نام ۷۲ تن سرباز امام حسین علیه السلام همچنان زنده است.

-
۱. سوره انفال، آیه ۳۴.
 ۲. سوره توبه، آیه ۸.
 ۳. سوره شعرا، آیه ۲۲۳.
 ۴. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.
 ۵. سوره حشر، آیه ۹.
 ۶. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.
 ۷. سوره طه، آیه ۱۳۲.

قرآن می فرماید: ای پیامبر! ما نامت را بلند داشتیم؛ **﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾**^۱، در کربلا نام حسین علیه السلام برای همیشه بلند اوازه ماند.

قرآن می فرماید: **﴿وَأَمْرْتُ لَيْلَةً أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾**^۲ یعنی رهبر باید پیشگام باشد و در کربلا امام

حسین علیه السلام فرزندش علی اکبر علیه السلام را قبل از جوانان بنی هاشم به میدان نبرد فرستاد.

قرآن می فرماید: **﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾**^۳ ای پیامبر! تو و یارانت استقامت بورزید، در

کربلا بهترین جلوه‌های استقامت را در امام حسین علیه السلام و یارانش می‌بینیم.

قرآن به جای نام بردن از افراد، ملاک‌ها و معیارها را بیان می‌کند. مثلاً می‌فرماید: مولای شما کسی است که در رکوع نمازش انگشت‌خود را به فقیر داد و در یک لحظه بین نماز و زکات را جمع کرد، و این مردمند که باید جستجو کرده مصدق آیه را پیدا کنند، در کربلا امام حسین علیه السلام نفرمود: من با یزید بیعت نمی‌کنم بلکه، بلکه فرمود: «مثلی لا یایع مثله» یعنی خط سیز حق و باطل در طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود.

قرآن می فرماید: بدی‌های مردم را با خوبی جواب دهید؛ **﴿وَيَدْرُكُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾**^۴، در کربلا خر

راه را بر امام می‌بنند، ولی امام حسین علیه السلام به تشنگان لشکر خود و حتی به اسب‌های آنها آب می‌دهد.

قرآن پیروی از خدا و اولیای الهی و وفاداری را سفارش می‌کند، برخی از یاران امام حسین علیه السلام که جان خود را برای نماز ظهر عاشورا سپر کرده و تیرها را به جان خربزند هنگامی که امام بعد از نماز و در لحظه آخر عمر آنان بالای سرشن آمد آنها پرسیدند: آیا وفا کردیم؟ گویا تا آن لحظه نسبت به وفاداری خود شک داشتند!

قرآن در بسیار از آیات سفارش به توحید می‌کند، جمله‌ای که امام حسین علیه السلام فرمود: «لامعبود سواک» بهترین جلوه این آیات است.

قرآن به نهی از منکر و غیرت دینی و دفاع از حریم سفارش می‌کند، در کربلا آخرین جمله امام

۱. سوره انشراح، آیه ۴.

۲. سوره زمر، آیه ۱۲.

۳. سوره هود، آیه ۱۱۲.

۴. سوره رعد، آیه ۲۲.

حسین علیه السلام در گودی قتلگاه به لشکر بیزید این بود که به خیمه‌های من حمله نکنید و ناموس مرا پاس دارید
و اگر دین ندارید لااقل در دنیا آزاد مرد باشید!

قرآن به تسلیم و رضا در پیشگاه خدا سفارش می‌کند، امام حسین علیه السلام نیز که روزی بر دوش پیامبر
اسلام علیه السلام و روزی زیر سُم اسبان، در هر حال راضی و تسلیم خداوند است.

عزّت و ذلّت در کربلا

در برنامه‌های اسلام به مسئله عزّت توجه خاصی شده است. پرستش خداوند عزیز، عزّت آفرین است، اما بندگی در برابر غیر خدا(خواه جمادات یا غیر آن) ذلّت است. «کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً» گذشتن دست انسان در دست رهبران غیر معصوم، توهین به انسانیت و به ذلّت کشاندن بشر است. برای غیر خداکار کردن (هر چیز و هر کس که باشد) باختن و خسارت است؛ «خاب الواقدن علی غیرک و خسر المتعرّضون الا لک»

اگر در اسلام عیبت کردن، نسبت ناروا دادن، توهین، تمسخر، تحقیر، افشاگری، طعنه و نیش زدن، مفت گذاشتن، مردم را با نام بد صدا زدن و فحش و ناسزا حرام است، به خاطر آن است که در این کارها عزّت دیگران شکسته می‌شود. اگر ستایش ستمگر عرش خدا را به لرزه می‌آورد، چون در آن عزیز کردن ناالهان است.

اگر انسان حق ندارد عیوب و گناهان و ضعفهای خود را حتی برای نزدیکترین دوستانش نقل کند، به خاطر حفظ عزّت است.

اگر به تشیع جنازه، رسیدگی به فقراء، عیادت بیماران، وامدادن، دید و بازدید، کنمان عیب دیگران سفارش شده اشت، به خاطر حفظ عزّت انسان هاست.

به چند نکته توجه کنید:

عزّت به معنای نفوذناپذیری است، نه داشتن امکانات. ممکن است کسی هیچ گونه امکانات مادی نداشته باشد، ولی هیچ تهدید و تطییعی در او اثری نکند، این فرد عزیز است و ممکن است کسی همه گونه امکانات داشته باشد، ولی باز هم افراد و یا اشیایی در او اثر بگذارند که این گونه افراد دلیلند.

سرچشمۀ همه عزّت‌ها خدادست. در قرآن مکرر می‌خوانیم: «انَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جُمِيعًا» قرآن عزّت خواهی از

غیر خدا را نکوهش می‌کند. **﴿أَيَّتُعْنُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ﴾**^۱

فروتنی در برابر حق عزت است؛ «العز ان تذل للحق»^۲ شیطان عزشت خود را از نژاد آتشی خود می‌طلبید، در حالی که عزت او در سایه طاعت خدا بود.

عزت‌های دنیوی در حقیقت دلت است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: دنیا به گونه‌ای است که عزت آن دلت است، داشتن مرکب زیبا که به ظاهر عزت است، در واقع نوعی وابستگی و اسیر شدن به آن است. باع و بستان به ظاهر برای کشاورز عزت است، اما تا تمام عمر و قدرت او را نگیرد خودش را عرضه نمی‌کند. عزتی ارزش دارد که سبب تکبر و فخر فروشی نگردد و به هر مقدار که بیشتر شد، انسان در درون خودش را کوچک‌تر احساس کند و فروتنی کند؛ «الله اعزمی ولا تبتليني بالكبير ولا تحدث لى عزاً ظاهراً الا احدثت لى ذله باطنها عند نفسى بقدرها»^۳ قرآن سلطه کفار را بر مؤمنین ممنوع می‌داند؛ **﴿وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾**^۴

قرآن پذيرفتن ظلم را مثل ظلم کردن حرام می‌داند.

﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا ظُلْمُونَ﴾^۵

قرآن زندگی با دلت را مرگ و مرگ با عزت را زندگی می‌داند.

قرآن آنچه را ملاک دانسته در راه خدا بودن است، نه کشنونه کشته شدن؛ **﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَيُعْتَلُونَ﴾**^۶

قرآن به انسان عزت داده و فرموده:

﴿هَسْتَىٰ بِرَىٰ تَوْسِتَ: خَلَقَ لَكُمْ﴾^۷

۱. سوره نساء، آیه ۱۳۹.

۲. بحار، ج ۷۸، ص ۲۲۸.

۳. دعای مکارم الاخلاق.

۴. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۵. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۶. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۷. سوره بقره، آیه ۲۹.

روح خدا در توسّت؛ ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۱

تو مسجد فرشتگان هستی؛ ﴿فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾^۲

تو جاشین خدا هستی؛ ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۳

سرپرست شما خداست؛ ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الدِّينِ آمَنُوا﴾^۴

انبیا پدران شما هستند؛ ﴿مَلَّةٌ أُبِيَّكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾^۵

آفرینش تو هدفدار است؛ ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبْدِنِ﴾^۶

در کربلا جلوه عزّت الهی را می‌بینیم، نوجوان ۱۳ ساله‌ای به نام حضرت قاسم می‌گوید: اگر مسئولین جامعه اسلامی بزید و طرفدارانش هستند، پس مرگ از عسل شیرین‌تر است. امام حسین علی‌الله‌ی السلام می‌فرماید: بنی‌امیه مرا بین شهادت و بیعت (سازش) مخیّر ساخته است، «هیهات من الذله»، در کربلا بدن امام سوراخ سوراخ شد، اما به عزّتش لطمه‌ای وارد نشد، انواع غمها بر حضرت زینب و امام سجاد علی‌الله‌ی السلام وارد شد، اما جلوه‌های عزّت آنها در خطبه‌ها، تار و بود نظام بنی‌امیه را از هم گستالت.

۱. سوره حجر، آیه ۲۹.

۲. سوره بقره، آیه ۳۴.

۳. سوره بقره، آیه ۳۰.

۴. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۵. سوره حج، آیه ۷۸.

۶. سوره ذاریات، آیه ۵۵.

نماز و امام حسین علیه السلام

اگر قرآن در آغاز بزرگترین سورة خود (بقره) می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»^۱ و همچنین در کوچکترین سورة خود (کوثر) از نماز سخن به میتن می‌آورده، امام

حسین علیه السلام آن را اقامه می‌نماید. «أَشْهَدُ أَنِّكَ قد أَقْمَتَ الصَّلَاةَ»^۲

اگر قرآن می‌فرماید: «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۳، امام حسین علیه السلام نماز را با جماعت آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می‌کند.

اگر قرآن نحوه اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبر آموزش می‌دهد؛ «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَاقْمُتْ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقْتُلُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ مَعَكَ»^۴، امام حسین علیه السلام در میدان جنگ نماز را اقامه می‌فرماید.

اگر قرآن نماز را به عنوان یک منبع انرژی‌زای غیبی معرفی و مؤمنان را امر به استعانت از آن می‌فرماید: «اسْتَعِنُوا بِالصَّابِرِ وَالصَّلَاةِ»^۵، امام حسین علیه السلام نیز در بحبوحه جنگ و مشکلات آن، از نماز استعانت می‌جويد.

۱. سوره بقره، آیه ۳.

۲. زیارت عاشورا.

۳. سوره بقره، آیه ۴۳.

۴. سوره نساء، آیه ۱۰۲.

۵. سوره بقره، آیه ۱۵۳.

اگر قرآن اقامه‌ی نماز را در اول وقت سفارش می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ»^۱ امام حسین علیه السلام نماز ظهر عاشورا را در اول وقت اقامه فرمودند.

اگر حضرت عیسای مسیح علیه السلام تا زمانی که نفس دارنده، مأمور به اقامه نماز شده‌اند؛ «وَأَوْصَانِي
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاءِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۲، امام حسین علیه السلام نیز تا آخرین لحظه همراه نماز است.

اگر قرآن از کسانی که تجارت آنها را از نماز غافل نمی‌سازند، ستایش می‌کند؛ «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ
وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ»^۳، راجع به امام حسین علیه السلام چه باید گفت که حتی حفظ جان هم او را از نماز غافل نساخت.

امام حسین علیه السلام نه تنها خود نماز خواند که نمازهای نماز گزاران را نماز کرد. در حدیث می‌خوانیم: سه چیز موجب قبولی نماز است: حضور قلب، نماز نافله و تربیت سیدالشهدا. امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب می‌فرماید: در نمازت به من دعا کن.

نماز باید در جامعه و علی اقامه شود؛ (اقیموا الصلوة) و امام حسین علیه السلام با آنکه می‌توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز پا داشت. هنگام اقامه نماز در ظهر عاشورا، ۳۰ تیر به سوی حضرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سجده تقریباً یک تیر به امام پرتاب شد.

به راستی نماز چیست که در عصر تاسوعا هنگامی که به سیدالشهدا پیشنهاد حمله می‌شود، حضرت طی چند نوبت گفتگو جنگ را یک روز به تاخیر می‌اندازند و می‌فرمایند: «انی احب الصلوه» و نفرمود: می‌خواهم نماز بخوانم، بلکه فرمود: من نماز را دوست دارم. بسیاری از ما نماز می‌خوانیم، ولی چقدر دوست داریم؟

زراره از امام صادق علیه السلام درباره کعبه پرسید: دهها سال است که هرگاه درباره حج و کعبه از شما سوال

۱. سوره اسراء، آیه ۷۸.

۲. سوره مریم، آیه ۳۱.

۳. سوره نور، آیه ۳۷.

می‌کنم، پاسخ جدیدی می‌دهید، علم شما به کجا متصل است؟ امام فرمودند: آیا می‌خواهی کعبه‌ای که هزاران سال قبل از آدم بوده با چند کلمه اسرارش تمام شود.

این در حالی است که کعبه و تمامی اسرار و رموز آن که امام به آن اشاره فرمودند، تنها قبله نماز است و قبله یکی از شرایط نماز!!

امام حسین علیه السلام حاضر می‌شود تا بدن مبارکشان سوراخ سوراخ شود، ولی ارزش نماز شکسته نشود. سر مقدس سیدالشہدا بر روی نی قرآن می‌خواند، یعنی سر از بدن جدا می‌شود ولی سر و دل از قرآن جدا نمی‌شود.

عزاداران حسینی! ظهر عاشورا در هر کجا هستید، به یاد امام حسین علیه السلام و آخرين نماز کربلاي او، همراه با حضرت مهدى(عج) نماز ظهر عاشورا را باشکوه و با اخلاص بپا داريد.

قرآن و یاد شهدا

در قرآن از افراد ترسو و تن پرور به شدت انتقاد شده است؛ **﴿يَخْشَونَ النَّاسَ كَخْشِيَةِ اللَّهِ﴾**^۱ و **﴿لَا طَاقَةَ لَنَا﴾**^۲ و از افراد شجاع ستایش شده است. مثلا بعضی برای تضعیف روحیه مسلمین می‌گفتند: دشمنان شما زیادند ولی مومینین به جای ترس ایمان شان زیاد می‌شود؛ **﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَأَخْشُوْهُمْ﴾**^۳ قرآن از کسانی که عاشق جبهه هستند و به خاطر نداشتن امکانات اشک می‌ریزند ستایش می‌کند **﴿وَأَعْيُّنُهُمْ تَتَضَعُّ مِنَ الدَّمَعِ حَزَنًا أَلَا يَعْدُوا مَا يُنَقْضُونَ﴾**^۴ قرآن از کسانی که برای خون دادن تسليیم فرمان هستند(گرچه خونشان ریخته نشود) ستایش می‌کند **﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ الْجَيْنِ (**) وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (**) قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا﴾**^۵ قرآن کسی را که در جبهه از خود شهامت نشان می‌دهد لایق مقام می‌داند. **﴿وَقَتَّلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ﴾**^۶ قرآن یکی از ارزش‌های حضرت ابراهیم را جرأت او بر شکستن بتها می‌داند. **﴿وَتَالَّهِ لَا كِيدَنَ أَصْنَامَكُمْ﴾**^۷ قرآن می‌فرماید: چه بسا پیامبرانی که با همراهان مخلص به جبهه و جنگ رفتند و در برابر سختی‌ها

۱ . سوره نساء، آیه ۷۷.

۲ . سوره بقره، آیه ۷۴۹.

۳ . سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۴ . سوره توبه، آیه ۹۲.

۵ . سوره صافات، آیات ۱۰۱-۱۰۳.

۶ . سوره بقره، آیه ۲۵۱.

۷ . سوره انبیاء، آیه ۵۷.

سستی نوروزیدند و از خود ضعف نشان نداده و سر فرود نیاوردن و اینگونه کار و روحیه آنان را می‌ستاید.

﴿وَكَائِنٌ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهُنَّا لِمَا أَصَابُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعَفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۱

شاید یکی از اسرار مهم مراسم حج که بر تمام حجاج بیت الله واجب شده است تا شباهی را در پیروان مکه(بیان منی) بمانند آن است که آنچا قربانگاه اسماعیل و محل مبارزه حضرت ابراهیم با شیطان است. آری و جوب توقف در قتلگاه اولیای خدا، یک عزاداری عملی و بیاد ماندن یاد شهداست.

درباره این گروه، قرآن از گروههایی به شدت انتقاد کرده است از جمله:

کسانی که تنها به زندگی دنیا دل بسته‌اند. «أَرْضِيْتِمْ بِالْحَيْوِ الدُّنْيَا»

کسانی که رفاه زندگی را محبوب‌تر از جبهه و جهاد می‌دانند. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَآبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ اقْتَرَفُوهَا وَتِجَارَةُ تَخْشُونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضُوْهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا ...»^۲

کسانی که از دشمن می‌ترسند. «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»^۳

کسانی که مسئله نا امنی خانه را مطرح می‌کنند و برای فرار از جبهه و جنگ، از پیغمبر مرخصی می‌خواهند. «يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ»^۴

کسانی که از پیامبر برای شرکت در جبهه عذرخواهی می‌کنند و بهانه می‌گیرند که شرکت ما در جنگ تبوک سبب گناه می‌شود، زیرا در برخورد با رومیان به دخترانشان نگاه خواهیم کرد و گرفتار فته و گناه خواهیم شد. در حالی که بزرگ‌ترین فته و گناه که در آن غرق شده‌اند، فرار از جبهه و تنها گذاشتن پیامبر است «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَنَّنَّ لَى وَلَا تَفْتَتِّى أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۵

۱ . سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۲ . سوره توبه، آیه ۲۴.

۳ . سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۴ . سوره احزاب، آیه ۱۳.

۵ . سوره توبه، آیه ۴۹.

کسانی که گرمی هوا را برای ترک جنگ بهانه قرار دادند. **﴿وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُ حَرًّا لَّوْ كَانُوا يَفْهَمُونَ﴾**^۱

کسانی که به خاطر نرفتن به جمهه خوشحالند. **﴿فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ﴾**^۲
 خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد بر مرده مرفهان بی درد و منافقان ترسو و فراریان از جمهه نماز نگرارد و حتی سر قبر فراریان نباید حاضر شد، پس بر مزار شهداء باید حاضر شد.
 حضرت فاطمه(س) هر هفته دوبار (دوشنبه و پنجشنبه) پیاده چند کیلومتر راه را از منزل تا مزار شهداء اُحد طی می‌کرد و حتی مقداری خاک قبر شهید را به خانه برد و از آن دانه‌های تسییح ساخت و در دست می‌چرخاند تا بدین وسیله شهدا فراموش نشوند.

خداوند آنچه در زمین و آسمان است آفرید: **﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾**^۳ و آن را مسخر بشر قرار داد: **﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾**^۴ و بشر را برای عبادت و بندگی آفرید: **﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعَبْدِنِ﴾**^۵ و قله عبادت نماز است و قله نماز سجده است که در سجده بهتر است بر خاک کربلا و تربت شهید سجده کنیم تا شهدا فراموش نشوند.
 در آداب سفر حج می‌خوانیم: کسی که مکه رود و پیامبر را در مدینه زیارت نکند جفاکار است و کسی که به مدینه رود و پیامبر را زیارت کند و شهدای اُحد را در کنار مدینه زیارت نکند، جفا کرده است، بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که الوهیّت مکه به نبوت مدینه و نبوّت مدینه وابسته و مدینه به اُحد پیوند خورده است. یعنی مکه به مدینه وابسته و مدینه به اُحد. آیا در این سری نیست که شهدای حزب جمهوری هم ۷۲ نفر بودند؟!

۱ . سوره توبه، آیه ۸۱

۲ . همان.

۳ . سوره ابراهیم، آیه ۳۱

۴ . سوره لقمان، آیه ۲۰

۵ . سوره ذاریات، آیه ۶۵

زیارت عاشورا در سایه قرآن

یکی از اصولی که قرآن بر آن اصرار دارد، عشق به خوبان و خوبی‌ها و تنفر از بدان و بدی‌هاست. قرآن می‌فرماید: از ابراهیم بیاموز که چگونه از عمومی منحرف خود اظهار بیزاری کرد؛ «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوُّ اللَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَا وَآهَ حَلِيمٌ»^۱ آن گاه که برای ابراهیم آشکار شد که او دشمن خداست از او بیزاری جست، با آنکه ابراهیم بسیار دلسوز و بردبار است پیامبر ﷺ مأمور است که به مشرکان بگوید: «قُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ»^۲ من از انچه شما شریک خدا قرار می‌دهید، بیزارم.

سوره برائت نشان‌گر آن است که تنها به خوبی‌ها کافی نیست، بلکه باید با بیان و فریاد، گفتن و نوشتن، نامه و ناله و اشک و عمل، از بدیها بیزاری جست و نسبت به آنها ابراز تنفر کرد.

هر سال میلیون‌ها مسلمان در سرزمین منی در کنار خانه‌ی خدا به پیروی از ابراهیم ﷺ در سه روز پشت سر هم به سوی نماد شیطان، سنگ پرتاب کرده و از شیطان و شیطان‌نماها برائت می‌جویند. جالب آنکه بعد از پرتاب سنگ‌ها به سوی شیطان، حاجیان این دعا را می‌خوانند: «خدايا حج من را قبول کن» که این رمز آن است که قبولی حج با طرد شیطان و شیطان‌ها همراه است. ناگفته پیداست که شیطان در هر زمان به شکل و صورتی است، چنانکه امام راحل(قدس سرہ) فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است. در زیارت عاشورا به امام حسین ﷺ و یارنش صد مرتبه سلام می‌دهیم و در مقابل به دشمنان او که دشمنان دین و خدایند، صد بار لعنت می‌کنیم. تکرار پرتاب سنگ در سرزمین منی به شیطان و تکرار لعنت در زیارت عاشورا، نشان دهنده آن است که باید با محبت خوبان و بغض دشمنان خوبگیریم و خوگرفتن در اثر تکرار است.

۱ . سوره توبه، آیه ۱۱۴ .

۲ . سوره شعرا، آیه ۲۱۶ .

حضرت علی علیہ السلام متولد کعبه و خانه‌زاد خداست، خداوند می‌فرماید: به دور کعبه بچرخید تا در طوفان خانه خدا عشق علی و فکر و راه او در جان شما جای گیرد. انسان بی‌عشق و تنفس، همانند حیوانی است که فقط نفس می‌کشد.

در هر شبانه روز ده مرتبه از خداوند می‌خواهیم که ما را در راه اولیای خود ثابت قدم بدارد؛ **﴿اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾** و از راه منحرفان و غصب شدگان بیزاری می‌جوییم **﴿غَيْرَ المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾** سنگ کعبه را می‌رسیم، ولی از سنگ جمرات با پرتاب سنگریزه‌ها به آن، ابراز نفرت می‌کنیم.

روز عرفه به عشق حسین علیہ السلام و دعای او اشک می‌ریزیم، ولی فردای آن در عید قربان، کارد بدست خون می‌ریزیم و قربانی می‌کنیم، با یک دست دعا و با دست دت دیگر سلاح. آری مسلمانان باید در تمام شئون زندگی اینگونه باشند.

امام جمعه مسلمین بر لبش فرمان تقوی و در چشمش اشک و بر دستش سلام و گام‌هایش استوار در قیام است، فکرش آگاه به آفاق و ذهن‌ش انشاشته از علم است. و این معنای جامعیت نمایندگان مکتبی و علماء و خطبا در اسلام است.

اگر به امام حسین علیہ السلام می‌گوییم، از قرآن آموخته‌ایم که به پیام آوران آسمانی و رهروان الهی سلام می‌گوید: «سلام علی نوح فی العالمین»^۱، «سلام علی ابراهیم»^۲، «سلام علی موسی و هارون»^۳، «سلام علی آل یاسین»^۴

اگر به پیامبر صلوات می‌فرستیم، از قرآن یاد گرفته‌ایم که می‌فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلِّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾**^۵ خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند و اگر ما بر بنی‌امیه و غاصبان حکومت حق و تبهکاران تاریخ بشریت، لعن و نفرین می‌کنیم، باز از قرآن آموخته‌ایم که می‌فرماید: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْدُونَ اللَّهَ﴾**

۱. سوره صافات، آیه ۷۹.

۲. سوره صافات، آیه ۱۰۹.

۳. سوره صافات، آیه ۱۲۰.

۴. سوره صافات، آیه ۱۳۰.

۵. سوره احزاب، آیه ۵۶.

وَرَسُولُهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ^۱ آنان که خدا و پیامبرش را اذیت می‌کنند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت می‌کند.

ما نفرین ولعن به دشمنان خدا را از انبیا یاد گرفته‌ایم؛ «لَعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُدَ وَعَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»^۲ کافران بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن شده‌اند.

ما نفرین را از سیره پیامبر اسلام آموخته‌ایم که در ماجرا مبارله فرمودند: «شَمَّ نَبَتَهُلْ فَنَجْعَلُ لَغْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَادِيْنِ»^۳ ما با هم مبارله می‌کنیم و لعنت خدا را برای دروغگویان قرار می‌دهیم.

بعضی از مجرمان را نه تنها خدا و پیامبران لعن و نفرین می‌کنند، بلکه تمام موجودات با شعور هستی نیز آنان را دائمًا لعنت می‌کنند. «أَوْلَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَأْلَعُنُهُمُ اللَّاءُعِنُونَ»^۴

کوتاه سخن آنکه سلام و نفرین ما در تمام زیارت‌ها به خصوص زیارت عاشورا، برخاسته از فرهنگ و روح قرآن است.

۱ . سوره احزاب، آیه ۵۷.

۲ . سوره مائدہ، آیه ۷۸.

۳ . سوره آل عمران، آیه ۶۱

۴ . سوره بقره، آیه ۱۵۹.